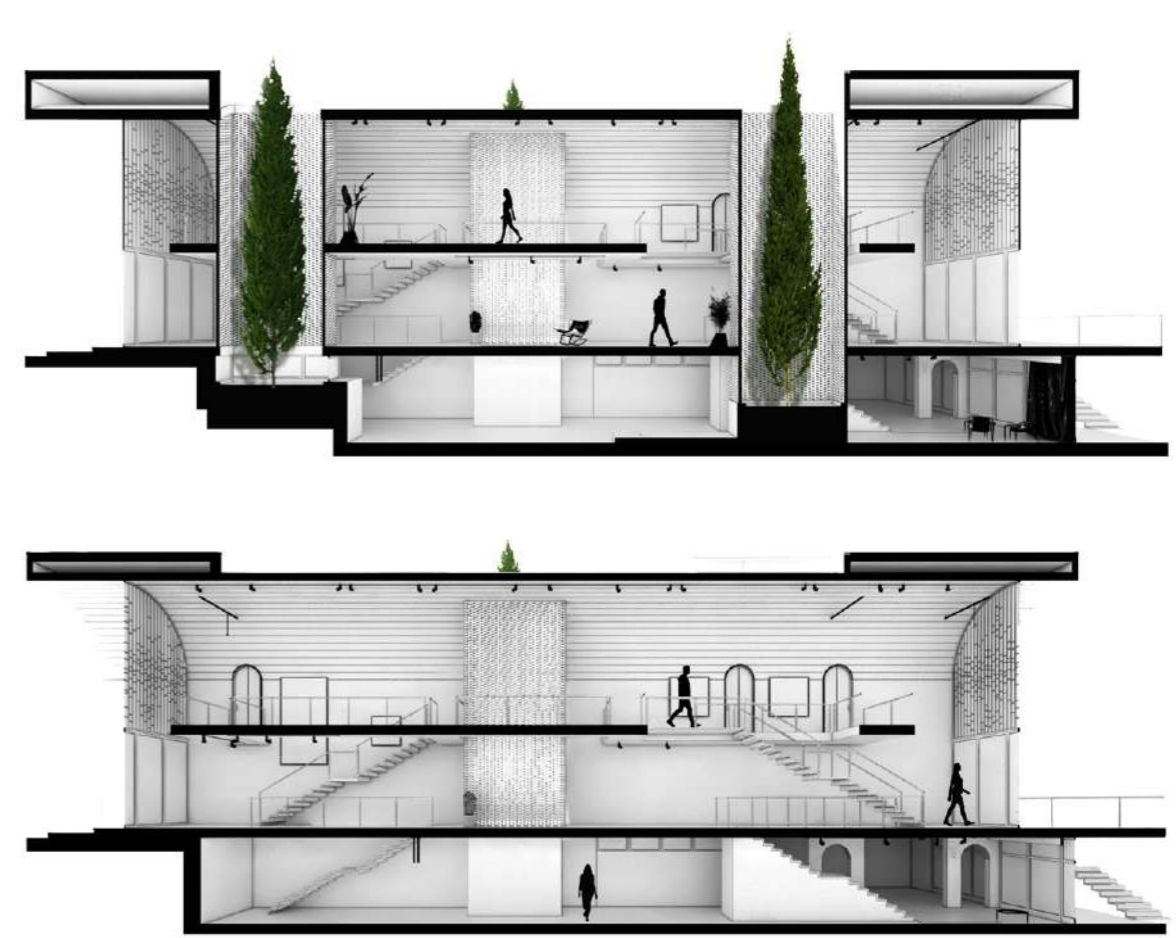
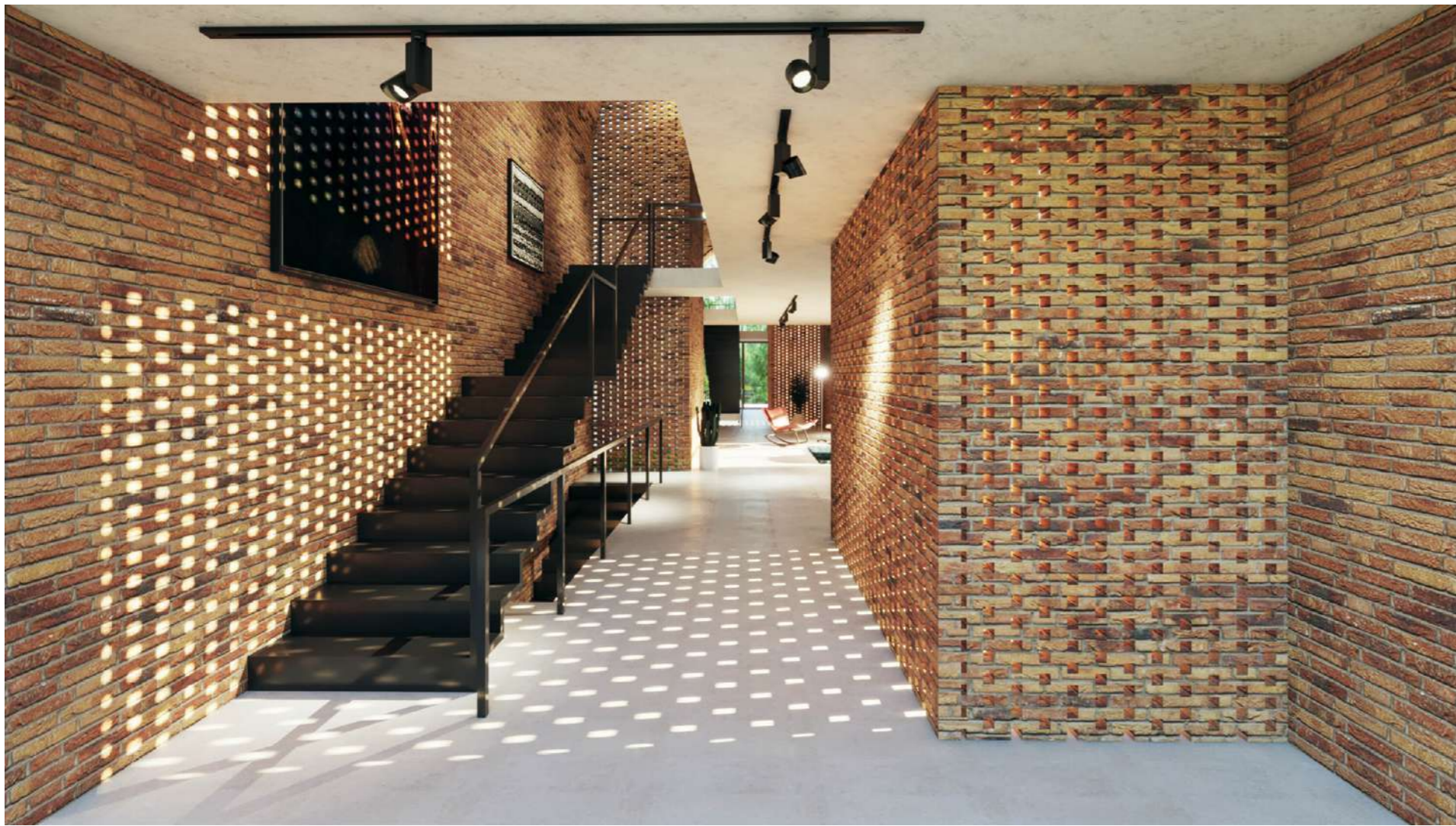


# عمارت دهلیز

موضوع اصلی طراحی این بنا رسیدن به فضای زندگی و کار برای یک نقاش است. دو امر اصلی که در شیوه زندگی هنرمند درهم آمیخته شده و در بستر یکدیگر حضور مداوم دارند. «من در بین نقاشی‌هایم زندگی می‌کنم و در مسیر زندگی‌ام نقاشی می‌کنم. نقاشی‌های من از من و زندگی من جدا نیستند.» طراح در امتداد این نقل قول از صاحبخانه سعی بر خلق مکانی داشت ملغمه‌ای از زندگی و نقاشی. شاید به صورت عمومی هر هنرمند نیازمند فضایی در قالب کارگاه یا استودیو برای کار کردن باشد ولی اینکه در سطحی بالاتر «کار اصلی هنرمند، هنرمندانه زندگی کردن است» حقیقتی ملموس و قابل باور به نظر می‌رسد. در این راستا تولید اندیشه طراحی از درون به بیرون بنا شکل گرفته و طراح سعی بر ارائه فضایی برای نوع مشخصی از الگوی زندگی داشته است.





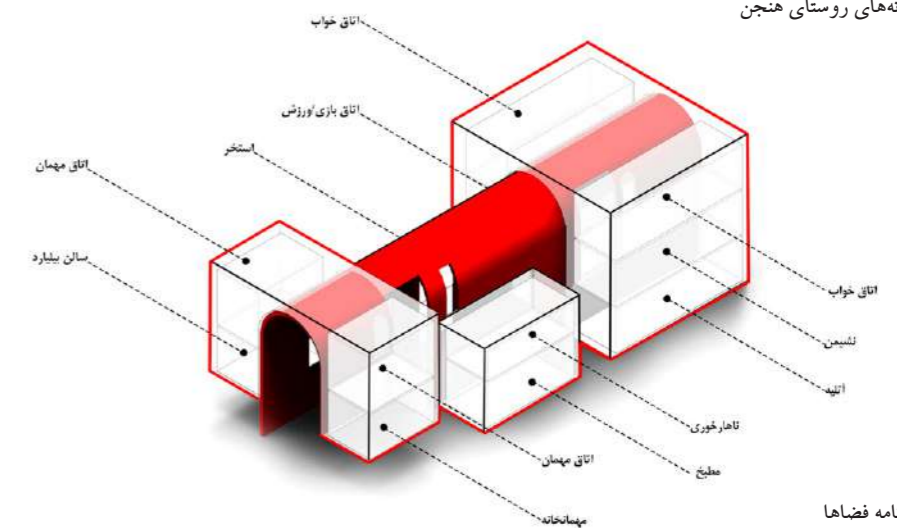
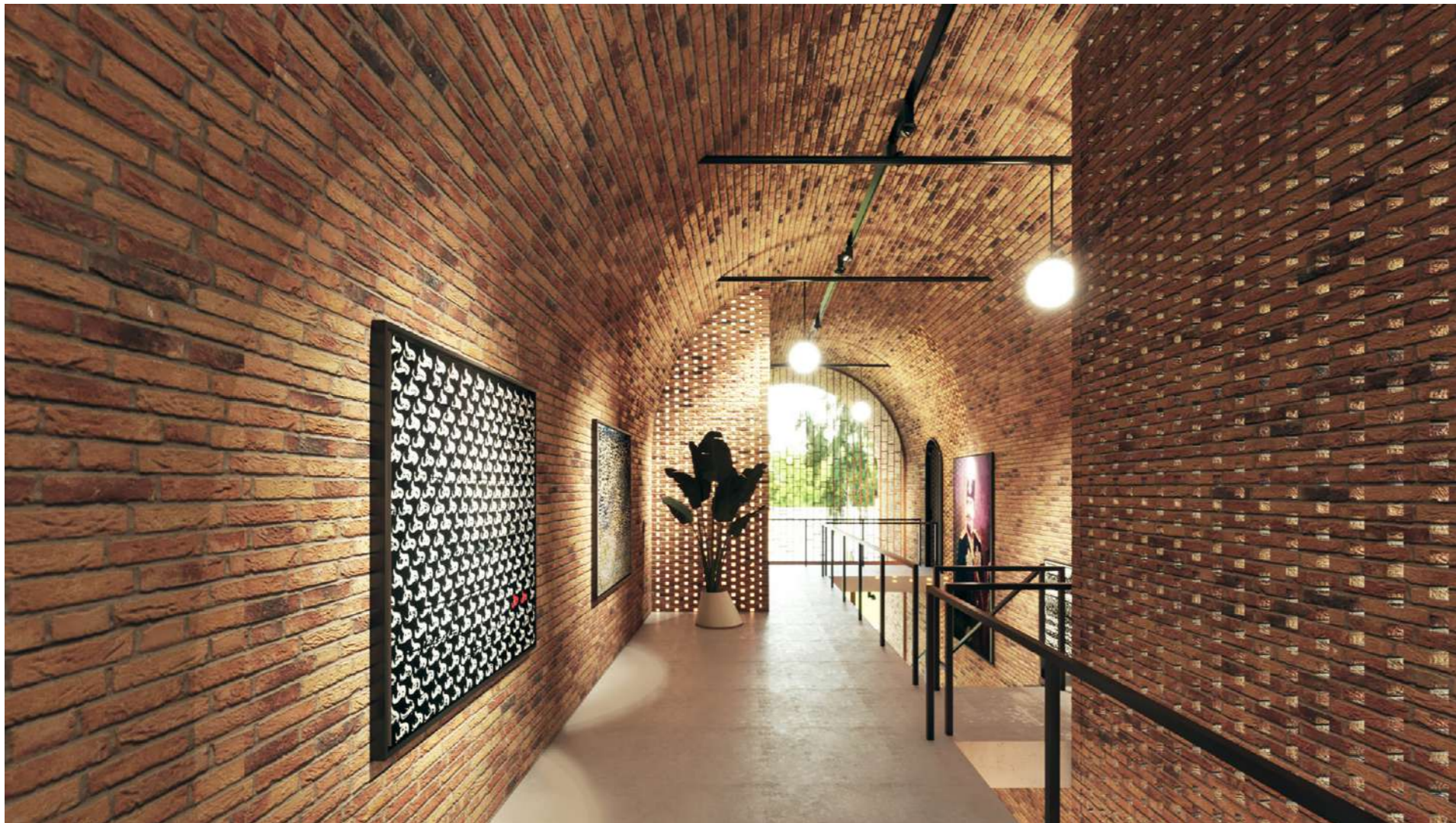
▲ برش-پرسپکتیو طولی

«دهلیز» به عنوان اندام اصلی در این بنا انتخاب شد تا هم توجه به بافت معماری روستا را تامین کند و هم با کیفیات فرمالیستی و مکانی خود پاسخی بر ایده طراحی باشد. در اندام شناسی معماری کلاسیک ایران دهلیز گونه ای از اجزا بنا معرفی می شود که عموماً ارتباط دو نقطه از فضا را میسر می کند اما در طرح پیش رو نیاز بر ارتقا عملکرد دهلیز بود چرا که می بایست نه تنها دسترسی به «جا»های مختلفی از بنا را ممکن می ساخت بلکه با کاربری ذات درونگرا و خلوت جوهری خود فضا را مستعد فعل «دیدن» می کرد.

سایت طراحی در نزدیکی روستای هنجن، یکی از روستاهای شهرستان نطنز واقع شده است. روستای هنجن در کنار جاده قدیم نطنز به کاشان و در فاصله ۱۷ کیلومتری نطنز قرار گرفته است. هنجن مدخل ورودی به روستاهای محورهای ایبانه و فریزهند است.

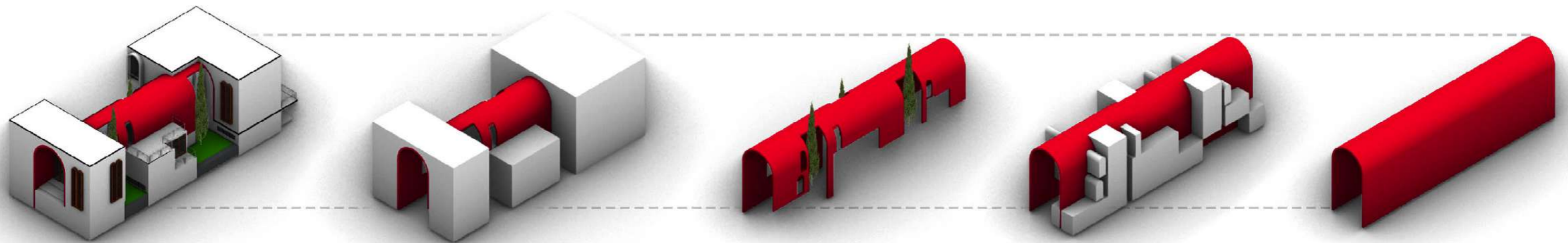


▲ بافت و خانه های روستای هنجن



▲ دیاگرام برنامه فضاها

برآنگیختن نوعی از حواس در ادراک فضا ضروری به نظر می‌رسد، لازم بود انسان به محض حضور در گیر دیدن و خیال شود ولی مهم دیدن «نقاشی» بود پس ظرف نباید خود را بیش از مظهر و عرضه می‌کرد. فضا باید به نقاشی امکان «بودن» می‌داد. دهلیز در بطن بنا جا گرفت و سایر فضاها در پیرامونش طوری سامان داده شد که تمامیت معماری در تحقق آنچه گفته شد ایفای نقش کند. طراح به صورتی از دهلیز استفاده کرده تا محرکی برای مخاطب و مامنی برای نقاشی ایجاد کند. تمامی ارتباطات افقی و عمودی در این معماری از طریق دهلیز انجام شده و زندگی در این معماری مستلزم قرارگیری در میان نقاشی و ادراک آن است. در این ایده زندگی نقاشانه جاریست و تابلو نقاشی جدی‌تر از ابژه ای زینت بخش برای فضای داخلی تلقی می‌شود.





▲ ▲ پرسپکتیوهای خارجی



